

حالا باید يك حدودی داشته باشد، چرا باید در انتخابات شهرداری چنین باشد؟ چرا باید مردم در مسائل زندگانی روزمره‌شان حرف زنند. این که به جایی صدمه نمی‌زند. فرمودند چطور صدمه نمی‌زند؟ مثلاً مزخرفات عجیبی در مورد گرانی می‌گویند که این‌طور نیست. عرض کردم اولاً متأسفانه این‌طور است، ثانیاً بر فرض چرت و پرتی می‌گویند چه ضرری دارد، يك درچه اطمینانی باز می‌شود. فرمودند به همین مناسبت گفته‌ام حزب اقلیت باشد. عرض کردم، فرموده‌اید ولی شیربی‌پال و دم و اشکم است. اقلیتی که نتواند حرف بزند چه معنی دارد؟ فرمودند، آخر این همه کارهای بزرگ را مردم چطور توجه ندارند؟ عرض کردم تبلیغات هم غلط است. يك مقداری را درست نمی‌گویند، يك مقداری را هم که می‌گویند آن قدر مبالغه می‌کنند و آن قدر تملق نسبت به اعلیحضرت همایونی می‌گویند که مردم را بیزار می‌کنند. مثلاً در قضیه نفت که واقعا فتح بزرگی فرمودید یا جزایر، آن قدر مبالغه شد که من خودم هم که به عظمت کار واقف بودم سرخورده و بیزار شدم.»

صداقت نداشتن با مردم یکی از نکاتی است که در سراسر این کتاب از زبان علم‌بارها به آن تأکید شده که شاه‌رواست نبوده و صداقت نداشته است: «... در فرمایشات شاهنشاه يك مسأله را اشاره فرمودند، من جمله این که ترورهای دو سال قبل را مربوط به مذاکرات نفت فرمودند. من خصوصی در خارج جلسه پرسیدم آیا شاهنشاه دلایل قاطع دارند؟ فرمودند نه! ولی يك مسأله است که به دل مردم می‌نشیند...» این یادداشت در حاشیه کنفرانس پنج روزه تجدیدنظر در برنامه پنجم که از ۹ تا ۱۳ مرداد ۵۳ در رامسر برگزار شد بیان شده بود و علم در ۱۴ مرداد در خاطرات خود آن را قید کرده است.

در مرور این کتاب نمی‌توان چشم و گوش بسته عمل کرد و طبیعی است که علم در برخی موارد توجه کافی به امور نداشته یا دست به قضاوت اشتباه زده باشد. اما در مجموع این خاطرات می‌تواند بخش مهمی از روایت سال‌های پهلوی را از درون برای مخاطب بازگو کند.

یکی از نکاتی که در لابه‌لای خاطرات علم مشاهده می‌شود مراد شاه با زنان مختلف است. گاهی با عباراتی نظیر «دوست» در کتاب نمایانده شده و گاهی نیز صراحتاً از آنها سخن گفته می‌شود. این کتاب در واقع پشت پرده زندگی شخصی محمدرضا را نیز تا حدودی عیان می‌کند. علم بی‌پرده از هماهنگ کردن زنان برای شاه سخن می‌گوید. روابطی که نشان می‌دهد محمدرضا پهلوی با وجود همسر و فرزندان، پابندی به خانواده نداشته و روابط مختلفی با افراد مختلف در کیش یا رامسر و... برقرار می‌کرده و علم برای او در حکم رابط با زنان ایفای نقش می‌کرده است.

با توجه به قیمت کتاب در این روزها شاید برای بسیاری تهیه این کتاب توجیه اقتصادی نداشته باشد، زیرا قیمت دوره هفت جلدی آن - که نشر معین منتشر کرده - حدود ۳۷۰ هزار تومان است، ولی علاقه‌مندان می‌توانند با مراجعه به کتابخانه‌های عمومی از این کتاب و یادداشت‌ها استفاده کنند. هرچند اگر مجموعه دو جلدی این کتاب - که نشر مازیار آن را چاپ و منتشر کرده - را پیدا کردید در تهیه آن درنگ جایز نیست. ☞



مروری بر بخش‌هایی از یادداشت‌های امیراسدا... علم به روایت دربار

بود گاف عجیبی کرد. فرمودند، چه بود؟ عرض کردم به رئیس ستاد اسرائیل گفت، ما اگر کاری می‌کنیم علتش آن است که بی‌نهایت از شاهنشاه می‌ترسیم و اگر کارها سر موقع انجام نشود شدیداً مواخذه می‌شویم. فرمودند کجای این حرف گاف است؛ عرض کردم آخر باید کارها را از روی حس وطن پرستی و علاقه بکنند نه از ترس. فرمودند خیر هیچ گاف هم نکرده است یعنی تو هم تکلیف خود را بدان و از این فضولی‌ها نکن! دیگر نخواستیم فضولی کنیم و عرض کنم به سر خودت يك ذره هم ازت نمی‌ترسم چون به زندگی و هیچ چیز اهمیت نمی‌دهم...» پس همان‌طور که دیدیم با وجود رابطه عمیق و دوستانه‌ای که بین علم و شاه وجود داشته باز هم علم جانب احتیاط را در سخن گفتن رعایت می‌کرده و کاری نمی‌کرده یا حرفی نمی‌زده که در دسر درست شود.

علم یادداشت‌های روزانه خود را از ده سال حضور در دربار پهلوی در صندوق اماناتی در یکی از بانک‌های سوئیس قرار داده بود تا بعد از مرگش در دسترس قرار بگیرد. در جای‌جای این کتاب خاطراتی به چشم می‌آید که نشان می‌دهد محمدرضا پهلوی علاقه بسیاری به تعریف و تمجید شنیدن دارد. او در یادداشتی که در ۳۰ فروردین ۵۱ نوشته درباره فضای تبلیغاتی با محمدرضا پهلوی حرف می‌زند: «مردم باید در سیاست بازی کنند و خود را در آن شریک بدانند. ناگهان به عرض من توجه کردند. عرض کردم چه دلیل دارد دولت بر سر کار باشد، همه عوامل انتخاباتی را در دست بگیرد و مثلاً در انتخابات شهرداری و انجمن‌های ولایتی و ایالتی مداخله بکند؟ بگذارید مردم حس کنند انتخابات آزاد است. انجمن‌های شهر و ایالتی و ولایتی چه تاثیری در سیاست کشور دارد که دولت می‌خواهد دست داشته باشد؟ بگذارید آزادانه سرو و کله هم بزنند و اگر انتخابات مجلس،

☞ «یادداشت‌های امیراسدا... علم» که دربردارنده روزنوشت‌های او از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۶ است یکی از اسناد مکتوب مهم به‌جا مانده از روزگار پهلوی است که در مجلدات مختلفی منتشر شده که دوره هفت جلدی آن مشهور است، هرچند دوره دوجلدی آن - که نشر مازیار منتشر کرده - تمام کتاب را دربرمی‌گیرد، ولی در قطع و اندازه بهتری منتشر شده است. وزیر دربار سمتی است که ده سال علم عهده‌دار آن بوده و در خلوت محمدرضا پهلوی حضور داشته است. در واقع این کتاب روایت نزدیک‌ترین فرد به شاه در سال‌های موسوم به شکوفایی است؛ سال‌های پس از ۴۲ تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی!

این خاطرات که به صورت روزنوشت و زمانی که هنوز خبری از انقلاب نبوده نوشته شده بود و پس از مرگ علم بعد از گذشت چند سال تدوین و منتشر شد، روایتی دست اول و نسبتاً دقیق از اوضاع و احوال دربار و مناسبات شاه است. روایتی که علم بی‌پرده در آن حرف زده و شاید گمان نمی‌کرده روزگاری این یادداشت‌ها منتشر شود، برای همین ساده و راحت اتفاقات را بازگو کرده است. هرچند علم نسبت به حساسیت‌های شاه در چگونگی بازنمایی تصویرش آگاه است و با احتیاط بسیار تلاش می‌کند بنویسد و در بسیاری از مقاطع این ماجرا در روایت علم دیده می‌شود. برای نمونه در ۲۶ مرداد ۵۱ در حاشیه می‌نویسد: «يك مطلب مضحکی عرض کردم که پشیمان شدم. عرض کردم دیشب که با رئیس ستاد ارتش اسرائیل صحبت از پیشرفت‌های کشور بود. رئیس ستاد ارتش، ارتشبد غلامرضا اژه‌اری که سر میز من

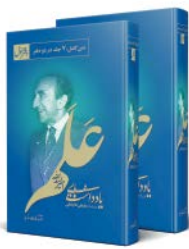


مصطفی وثوق‌کیا

روزنامه‌نگار



«یادداشت‌های امیراسدا... علم» روایت نزدیک‌ترین فرد به شاه در سال‌های موسوم به شکوفایی است؛ سال‌های پس از ۴۲ تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی!



برگ سبز و سند و کارت و کلیه مدارک خودرو
New 315H، مدل ۱۳۹۵، به رنگ سفیدروغنی،
به شماره انتظامی ۷۴۱ س ۶۷ - ایران ۱۳،
شماره موتور MVM477FJAG053631 و شماره شاسی
NATFBAAMD1G1042308 به نام حمید حاتمى
مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و سند خودرو سواری پراید دی.ام.
(هاج بک)، مدل ۱۳۷۳، به رنگ آبی نفتی
روغنی، به شماره انتظامی ۷۱م۵۷۳-ایران ۴۳،
شماره موتور 00763534، شماره شاسی 00101742
به نام غلامرضا نیک نیا مفقود گردیده و فاقد
اعتبار است.

برگ سبز و سند و کارت و کلیه مدارک خودرو
سواری پژو آر دی ای ۱۶۰۰، مدل ۱۳۸۵، به
رنگ نوک مدادی متالیک، به شماره انتظامی
۲۷۷س۵۶-ایران ۱۳، شماره موتور 11685006769
شماره شاسی 15406246 به نام فرج الله خدابخش
مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

گواهینامه موقت فارغ التحصیلی اینجانب مهدی عتیقی
لرستانی فرزند احمدعلی به شماره شناسنامه ۳۱۱۵ صادره
از سیرجان در مقطع کارشناسی رشته صنایع برنامه‌ریزی
و تحلیل سیستم‌ها صادره از واحد دانشگاهی سیرجان
با شماره ۳۸۲۰۵۰ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از
پایبند تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی
واحد سیرجان به نشانی: سیرجان، انتهای بلوار هجرت، دانشگاه
آزاد اسلامی پردیس ارسال نماید.